



این‌ها در زندگی عادی اتفاق نمی‌افتند. همه چیز عادی است و کاملاً مشخص است و عواقب آن هم قابل حدس است، در سینماست که محملی برای این ریسک‌ها پیش می‌آید و چرا که نه؟! حامد بهداد از اول برای این نقش انتخاب شده بود؟

خیر! بازیگر دیگری بود. محسن قرایی حامد بهداد را معرفی کرد و بازی خوب او را در فیلم «سد معبر» دیده بودم و خیلی دوست داشتم و خیلی خوشحالم که او را انتخاب کردیم.

فکر می‌کنم کار سختی انجام دادید. صدر عاملی برای فیلم «هر شب تنهایی» یک نقش درونگرا به او داد اما باز هم در بعضی از مقاطع فیلم «به‌هداد» بودنش از قاب بیرون زد، اما این جا هیچ مشکلی از او نمی‌بینیم، یک راست و ساده و پر از سکوت‌های درست؛ کاملاً در خدمت فیلم و کارا کتر بود. در طول فیلم چقدر یا او به مشکل برخوردید؟ اختلاف نظر داشتید؟

حتماً یکی - دو بار پیش آمده؛ البته در این فرایند محسن قرایی به من خیلی کمک کرد. در واقع یک ضلع سه‌نفره بودیم و باهم گپ می‌زدیم چون مهار کردن این شخصیت کار و رسیدن به نقطه مطلوب، نظرهایی غیر از من و حامد را هم نیاز داشت. ممکن است به اختلاف نظر برخورد کرده باشیم اما در مجموع به نظرم حامد بهداد این شخصیت را خیلی خوب شناخت.

در فرایند تولید دچار عجز نشدید که ای کاش «به‌هداد» را انتخاب نمی‌کردم؟

خیر! هر وقت جلوی دوربین می‌آمد خوب بود (می‌خندد).

قصر شیرین را می‌توان متعلق به سینمای کودک هم دانست؟

فکر نمی‌کنم! به دلیل این که دو کودک در فیلم حضور دارند نمی‌شود آن فیلم را به سینمای کودک هم تحویل داد. بیشتر به درد والدین می‌خورد.

به این دلیل می‌گویم که این کودکان فقط در فیلم حضور ندارند، به نوعی در روایت قصه هم کمک می‌کنند.

درست است، قبول دارم، اما فکر می‌کنم این فیلم بیشتر به درد والدین می‌خورد.

شما در فیلم مانیفستی هم داده‌اید - که خودآگاه یا ناخودآگاه را نمی‌دانم - و آن این بود که نسل بعدی را نسل آرام، مقید به اخلاقیات و حتی راهنمای

خانم‌ها در فیلم من نقش محوری دارند و من به دنیای آن‌ها بیشتر نزدیک می‌شوم، این به طور ناخودآگاه است. من نگاه جنسیتی ندارم. برای من انسان به عنوان «انسان» مهم است؛ برای تصمیم‌های لحظه‌ای که در بزنگاه‌های مهم زندگی می‌گیرد و جنس رابطه‌ای که با خودش و دنیای اطراف خودش برقرار می‌کند. این‌ها قهرمان داستان‌های من هستند که من بر اساس جنسیت آن‌ها را انتخاب نمی‌کنم. ضمن این که در این فیلم «جلال» را خیلی دوست دارم.

از چه وجهی «جلال» را دوست دارید؟ صبور بودن، درونیات و عاشقی‌ای که دارد و او را نجات می‌دهد یا بهتر است بگویم راه نجات را به رویش نمی‌بندد.

برای این دوست داشتن خودتان بود که کاری کردید که ما هم او را دوست داشته باشیم؟ البته هیچ وقت تکلیف روشن نکردید که از او تفرق پیدا کنیم یا دوستش داشته باشیم.

یک بار سر صحنه به گروه گفتم این شخصیت حالتی شبیه مونالیزا دارد. بیسن لبخند و غم معلق او را نگه داشتم. نه «جلال» را به طور خاص بلکه همه شخصیت‌های فیلم‌هایم را دوست دارم. اصلاً شخصیت منفی در فیلم‌های من پیدا نمی‌شود. حتی «داوودی» که در گلخانه سیلی می‌خورد را دوست دارم و فکر می‌کنم این حداکثر مجازاتی بود که باید می‌شد. بیشتر از این نمی‌شود کاری با او کرد. این اتفاق در فیلمنامه و جلوی چشم همه کارگرا و یک فضای شلوغ می‌افتاد اما من میزاسن را عوض کردم و بر دم جایی که کسی نباشد. می‌خواستم احترام او را حفظ کنم.

در سینمای شما همه چیز را واقعی می‌بینیم! در حالی که سینما ذاتاً وجهی جادویی و غیرواقعی دارد که فیلمسازان بر خلاف شما از آن وجه تخیل هم استفاده می‌کنند. فکر نمی‌کنید این خلاف جریان شنا کردن باشد؟



شما آدمی هستید که سعی در دوری از حاشیه دارید اما در مورد فیلم «ما همه باهم هستیم» نام شما به عنوان تهیه‌کننده ما را دچار ابهام کرد. از تولید این اثر بشیمان نیستید؟

اگر به نقطه‌ای برمی‌گشتم در مورد این که تصمیم‌گیری کنم این فیلم را با اطلاعاتی که الان دارم این کار را نمی‌کردم. اما این به معنی نیست که این حاشیه‌ها را واقعی بدانم. ادلایش چیزهای دیگری است که دوست ندارم در موردشان فکر کنم. گردش مالی سینمای ما در مقایسه با کشورهایی که صاحب سینما هستند خیلی کوچک است و ما هم ادعا داریم جزو آن ۱۰-۱۵ کشور هستیم اما گردش مالی خیلی ضعیف است. هر از چندگاهی هم موضوع پول کثیف پیش می‌آید و کسی علم این را ندارد که بفهمد پول‌ها از کجا آمده‌اند. این موضوع مربوط به یک چارت سازمانی است که در دولت حوزه مختص به خودش را دارد و... فکر می‌کنم قبل از این که سر هم داد بزنیم، هر کسی در هر حوزه‌ای که هست کار خودش را درست انجام دهد و پول سالم تولید کند. من به کسی کاری ندارم اما در کار خودم سعی می‌کنم خیانت نکنم، یعنی سعی می‌کنم دروغ نگویم، احترام بگذارم، توهین نکنم، با ناهنجاری‌ها و هنجار شکنی‌های سخیف و موقعیت‌های چیب، اخلاق اجتماعی و اخلاق خانوادگی را مورد خطر قرار ندهم. این‌ها چیزهایی هستند که رعایت می‌کنم. من به عنوان فیلمساز، اول خودم را بررسی می‌کنم. چقدر از پولی که در آورده‌ام تمیز است و چقدر کثیف.

این یک خلط میحت است. این که قصه واقعی باشد چیزی از تخیل نمی‌کند. بگذارید شکل دیگری بگویم؛ شنیدن قصه و خواندن داستان حتی شنیدن خاطرات دیگران به ما کمک می‌کند که بتوانیم خود را در جای دیگران بگذاریم که این یعنی تخیل. تا وقتی از زاویه خودمان به داستان نگاه می‌کنیم انسان‌های خودخواهی هستیم و رفتارهای غیراخلاقی داریم و در زمینه رفتارهای اخلاقی کم داریم. به محض این که یاد می‌گیریم از زاویه دیگران به اتفاق‌ها نگاه کنیم قضاوت‌های آتی و خودخواهی‌های کمتری خواهیم داشت و اخلاق مدارتر می‌شویم. سینما به عنوان یک فضای قصه‌گو در یک سالن تارکینگ زندگی فشرده عمر یک آدم را در دو ساعت به شما نشان می‌دهد شما را از خودتان و زندگی تان جدا می‌کند و می‌برد به چشم بازیگران فیلم که از درچه نگاه آن‌ها به زندگی نگاه کنید. این تمرین که بتوانید جابه‌جا شوید و از نگاه‌های دیگران به زندگی نگاه کنید یعنی تخیل. مردمی که تخیل آن‌ها زنده باشد مردم اخلاق مدارتری هستند بنابراین هر فیلم‌بندی هم خوب است. منظور من این نیست که از فیلم بدم نمی‌آید اما می‌خواهم بگویم حداقل این خاصیت را دارد که قوه تخیل آدم‌ها را تقویت می‌کند که این مبنای اصولی تمام مکاتب دینی و غیردینی است و از اینجا شروع می‌شود که خود را در جای دیگری بگذاری.

بعضی معتقدند که با شکل خاصی از فیلمسازی می‌توان به پسند جشنواره‌های خاص نزدیک شد و این یک فرمول دارد؛ خودتان فکر می‌کنید سینمای ایران این فرمول را دارد؟

ممکن است بعضی‌ها با این نگاه فیلم بسازند که اصولاً فیلم‌های اصلی نخواهند بود و فیلم‌های تقلبی خواهند بود، من این فرمول را ندارم و اصلاً به آن فکر نمی‌کنم.

فکر می‌کنید عمر فیلمسازی تان چقدر می‌تواند باشد؟ آیا دشمن دارید؟

سعی می‌کنم به آن توجهی نکنم. بعضی اوقات در تمرکز تأثیر می‌گذارد. این را نمی‌گویم که آن‌هایی که می‌خواهند تمرکز آدم را بهم بریزند خوشحال شوند، به هر حال فیلمی ساخته‌ام و از آن هم بسیار راضی هستم ولی همه تلاش‌ها را می‌کنم در چشم نباشم. در هر حال تیر در هوا زیاد است و یکی دو تا از آن‌ها بالاخره به آدم می‌خورد.

در مورد دستمزد بازیگران این کار آیا خودتان را ملسزم می‌دانید جواب مخاطبان را بدهید که چرا این قدر دستمزد دریافت کردند؟

اولاً چرا فقط من باید پاسخ بدهم. ده‌ها فیلم با همین بازیگران کار شده و دستمزد‌ها را کسانی دیگر بالا بردند. تلویزیون بالا برده، تهیه‌کنندگان دیگر این روزها خودشان مدعی هستند و داد می‌زنند بالا بردند و... من کارنامه‌ای دارم که می‌توانم به آن افتخار کنم و هر فیلمی که ساخته‌ام چند بازیگر به اندوخته سینما اضافه کرده‌ام. پس یقه کسانی را بگیرد که هیچ چیز اضافه نکرده‌اند و اتفاقاً دستمزد‌های بازیگرانی که ما آوردیم را بالا برده‌اند. در مورد «ما همه باهم هستیم» هم همان دستمزد‌های متعارف را دادیم. چیزی که رقم را بالا برده، این است که تعداد بازیگرها زیاد شده است.